

ایران؛ آبستن انقلاب است

چندین سال قبل و پیش از فرا رسیدن سلسله قیامهای ۹۶ و ۹۸ و قیام کنونی، همه کاره این نظام ارتجاعی به دور و بری‌هایش نهیب زده و هشدار می‌داد: «ببینید ما در داخل کشور یک گسلهایی داریم، گسله‌های قومی داریم، گسله‌های عقیدتی داریم... گسله‌های جناحی داریم... اگر چنانچه این گسله‌ها فعال شد، آن وقت زلزله به وجود می‌آید؛ سعی دشمن در فعال کردن این گسله‌ها است؛ حواستان باشد» (سایت خامنه‌ای، ۱۶ خرداد ۹۵).

البته او که از بن بست و ناکارآمدی نظام تحت مدیریتش اطلاع داشت هیچ وقت راه حل و مسیر رو به جلویی جز همان دو پایه «سرکوب داخلی» و «صدور تروریسم به خارج» نداشت و در همان دیدار هم نهایت رهنمودی که به عوامل خودش می‌داد این بود که «دعا کنید، تضرع کنید و از خدا بخواهید که شما را موفق کند».

در واقع آنچه خامنه‌ای گسل می‌نامیدش همان بحرانها و ابر بحرانهای حاصل از چهار دهه حاکمیت استبدادی و غارت و چپاول ثروتها و منابع ایران زمین بود که هر از گاهی به شکلی خود را نشان می‌داد و در نتیجه نظام قرون وسطایی ولایت فقیه که صدها سال تاریخ مصرفش گذشته بود در حرکت قهقرایی خود هر روز دچار تشنگی و تضادهای بیشتری می‌شد. این امر ادامه داشت تا جایی که قیامهای ۹۶ و ۹۸ فرار رسید و برای دوست و دشمن مسجل شد همان «زلزله» موعودی که خامنه‌ای نسبت به آن زنه‌ار می‌داد در راه است. با این وصف، هر موضوع ساده و پیچیده‌ای مثل مسکن، اشتغال، گرانی و حتی برق و «آب» هم تبدیل به بحران و در نتیجه فاصله گرفتن بیشتر مردم از حاکمیت گردید. و به همین دلیل زمزمه‌ها در داخل رژیم به تدریج تبدیل به فریاد شد و رسانه‌هایش هشدار می‌دادند که «ابر بحران آب، گریبان کشور را گرفته. هر روز یکی از حوزه‌ها به مطالبه

سهمش برمی‌خیزد و فریاد می‌زند. گسل‌های اجتماعی بیدار شده‌اند و هر روز که التیام نیابد کار بغرنج‌تر می‌شود» (ابتکار، ۶ آذر ۱۴۰۰)

این رسانه‌ها پایه‌پای بسیاری از دلسوزان حفظ نظام از وجود یک دشمن خطرناک نیز خبر می‌دادند که هوشیار و مترصد برای سمت و سو دادن اعتراضات پراکنده به قیامی فراگیر است: «آیا بحران اقتصادی، گرانی‌ها و تورم بی‌سابقه، همان نیروی به حرکت درآورنده گسل‌های اجتماعی نیست؟ مهم‌تر این که دشمنی هم هست که برای حرکت گسل‌های اجتماعی لحظه‌شماری و برنامه‌ریزی می‌کند. به‌ویژه در شرایطی هستیم که منافقین جلاد باعث و بانی گرفتاری کشور و نظام در بحران اتمی بوده‌اند، در تلاشند تا به نارضایتی‌های اجتماعی دامن بزنند و گسل‌ها را به صورت اغتشاش‌های پراکنده و در گام بعد گسترده، به حرکت درآورند» (مستقل، ۱۵ آبان ۱۴۰۰)

تبدیل گسلها به زلزله و آتشفشان

در نهایت قیام مردم ایران در سال ۱۴۰۱ بود که هم‌چون زلزله‌ای تمام ارکان نظام را به لرزه در آورد. با این قیام دیگر هیچ جای ویرانه‌سرای نظام آخوندی سالم نماند و همه شکافها و پوسیدگی آن عیان گشت. ولی مشخصاً بزرگترین شکاف و گسلی که در این زلزله هویدا شد شکاف مشروعیت سیاسی و تنفر شدید مردم از رژیم بود. مردمی که با شعار «مرگ بر خامنه‌ای» و فریاد بلند «آزادی، آزادی، آزادی» دیگر به سیم آخر زده و حاضر بودند با شعار «از کردستان تا تهران، جانم فدای ایران» حتی با تقدیم بیش از صدها شهید نیز به اعتراضات خود ادامه دهند. مردمی به ستوه آمده که دیگر نمی‌خواستند فقر و فساد گذشته ادامه داشته باشد و فریاد می‌زدند «فقر، فساد، گرونی - میریم تا سرنگونی!» این تنفر و گسل بارز شده بین مردم و حاکمیت در واقع یکی از نشانه‌های انقلاب بود یعنی فرارسیدن وضعیتی که «پایینی‌ها نخواهند به روال سابق زندگی کنند و بالایی‌ها هم نتوانند به روال سابق حکومت کنند».

این نشانه انقلاب از دید و نگاه مطبوعات خود رژیم هم پنهان نمانده و این روزها به زبانهای مختلف تکرار می‌شود. یکی کینه مردم از رژیم را به ناهمسویی تشبیه می‌کند و می‌گوید «جامعه به سویی می‌رود، حاکمیت به سویی دیگر» (رویداد ۲۴، روز ۲۳ آذر) دیگری به زبان خودش به «پیدایش گسل‌های اجتماعی و سیاسی و شکاف‌های میان دولت و ملت» اذعان می‌کند و یکی هم از پایان یافتن فاز مدارا و گفتگو می‌گوید که «رفتار معترضان هم رادیکال‌تر و شعارها هنجارشکن‌تر شد و مجموعاً مشاهدات، نشانگر وجود گسل عظیمی بین بخشی از جامعه و حاکمیت است که امکان گفتگو را به حداقل می‌رساند» (همدلی، ۳۰ آذر) و خلاصه همه‌شان حیران مانده‌اند که «چطور شد که بین مردم و نظام سیاسی ایران فاصله افتاد» (رویداد ۲۴، روز ۲ دی). دست آخر پاسخ و راه‌حل اصلی را همین رسانه‌ها با زبان خودشان بر زبان می‌آورند و اعتراف می‌کنند که «هم اصلاح‌طلبی و هم اصول‌گرایی به آلت‌رناتیو احتیاج دارند. این جایگزین‌ها وضعیت دیگری باید داشته باشند. برای شکل‌گیری نیروی آلت‌رناتیو، ایده‌های تازه‌ی نیاز است. جامعه هم به اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان می‌گوید، من از شما گذر کرده‌ام!» (اعتماد، ۱۷ آذر)

آری! گسلها تبدیل به زلزله قیام شد و این زلزله تمامیت حاکمیت آخوندی را تبدیل به خاک و خاکستر خواهد کرد. قطعاً با رشد شگرف و چشمگیر آگاهی مردم در پرتو فداکاری و خون شهیدان، آلت‌رناتیو این رژیم با بهترین «وضعیت» و نوترین «ایده‌ها» آماده و گوش‌به‌زنگ است و قیام را به سوی یک انقلاب بنیادین هدایت می‌کند. آلت‌رناتیوی که اینبار با سازماندهی گسترده در کف خیابان و محلات، با عنصر سلاح وارد میدان خواهد شد. هنگامه انقلاب فرا رسیده و بدون شک این نجاست و نحوست آخوندی به زباله دان تاریخ پرتاب خواهد شد.

پیش به سوی سازماندهی و تشکیل تیم‌ها برای عملیات‌های آتش‌محور